

خاتم اولیاء و اوصیاء، وارث همه کمالات

خاتم اولیاء و اوصیاء، وارث همه کمالات امام عصر(عج) خصوصیت روشنی دارند که در دیگر امامان معصوم پوشیده داشته می‌شد...



خاتم اولیاء و اوصیاء، وارث همه کمالات امام عصر(عج) خصوصیت روشنی دارند که در دیگر امامان معصوم پوشیده داشته می‌شد و آن وراثت زمین است. سایر ائمه هدایت(ع) هم وارث بودند و هم مورث، یعنی هم امامت را ارث می‌بردند و هم آن را به ارث می‌نهادند، اما درباره امام عصر(عج) این گونه نیست و به بیان لطیف مرحوم سیدحیدر آملی(ع) حضرت خاتم‌الاولیاء وارث منحصر به فرد است، یعنی تنها وارثی است که همه کمالات گذشتگان خود را به ارث برده است و چون بعد از او ولی دیگری نخواهد آمد، کسی هم میراثبر او و نیز وی مورث کسی نیست.

مرحوم سیدحیدر آملی نکته مزبور را از این آیه قرآن کریم فهمیده است که (و نريد ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین)(1). می‌گوید که وقتی خبر با "الف و لام" ذکر می‌شود مفید حصر خبر در مبتدا است، به این معنی که تنها آن حضرت(عج) وارث محض است:

قيل: قوله تعالى(و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین) دال علی امامته و خلافته و ختمتیه ایضا، لان "الف" و "اللام" متی دخلا علی "الخبر" افادا انحصاره فی "المبتدا" فانا اذا قلنا "زيد هو العالم" دل علی ان غیره ليس بعالم: فكل امام غیره(ای غیرالمهدی) من الائمة هو موروث و لایكون هو الوارث دون غیره، لان من بعده وارثه. فدل علی ان الامام، الذی (نو) بهذه الصفات، يرث من قبله، اعنی يرث الامامه و لا یورث عنه.(2)

خاتم اولیا کمالات انبیا و امم گذشته را به ارث برده است، از این رو همه معجزات انبیای گذشته را داراست. معجزات هر یک از انبیای گذشته، یکجا به دست توانمند ولی عصر(عج) ظهور می‌کند، زیرا او باید اهداف تمام انبیا را به انجام رساند و سرزمین‌های مرده را با نور عدل زنده سازد.

تذکر: جمع بودن کلمه وارثین با انحصار مصداق محذوری ندارد، نظیر جمع بودن کلمه: (و الذین امنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون)(3)

درباره حضرت امیرمؤمنان(ع).

امام عصر، مظهر علم و قدرت الهی

انسان کامل معصوم(ع)، تجلیگاه صفات و آینه اسمای الهی است. طالب حقیقت اگر به شناخت اسما و صفات حق تعالی بار نیابد، چگونه ظهور آن‌ها را در عالم خواهد شناخت؟ آن که می‌خواهد در آینه انسان کامل، ظهور اسما و صفات را به نظاره بنشیند باید بهره‌ای از ادراک اسما و صفات الهی داشته باشد و بداند نازیبایی‌ها و ناروایی‌های جهان‌خواران و غارتگران جهانی، هرگز از زیبایی هستی و نظام احسن الهی نکاسته و بر چهره پرشکوه آفرینش آفرینش گرد و غباری نشانده است، چون قدرت الهی به امامت علم و حکمت خداوندی عمل می‌کند و این هر دو با ظهور نهایی خویش در وجود مبارک عصا هستی و واپسین حجت الهی می‌درخشد و پرده آویخته بر چهره نظام احسن هستی را بر می‌چیند، زیرا امام عصر(عج) در بعد نظری ترجمان علم خدای سبحان و رمزگشای (انی اعلم ما لا تعلمون)(4) (وان الله قد احاط بكل شیء علما)(5) و... است و در بعد عملی، نمود روشن قدرت و تفسیر تام عزت الهی است. (و ما کان الله لיעجزه من شیء فی السموات و لا فی الارض انه کان علیما قдіرا) (6) و عملکرد او احاطه قدرت الهی را بر طول و عرض دنیا از یکسو و بر ابتداء و انتهای آن از سوی دیگر، به نمایش می‌گذارد و خطای ملحدان و مشرکان و مستکبران را مبرهن می‌سازد: (و ما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمه و السموات مطویت بیمینه سبحانه و تعالی عما یشرکون).(7)

امام عصر، مظهر روشن (و ان الله قد احاط بكل شیء علما) است. بر تمام هستی و بر شئون بشر احاطه دارد، زیرا جان جانان و قلب عالم امکان است. نه تنها قلب جماد و نبات، آسمان و زمین، دریا و صحرا، بلکه قلب همگان و همگی است. دل انسان اعضا و جوارح وی را کنترل می‌کند و دلی هم هست که دل‌های انسان‌ها را رصد می‌کند. آری هر خاطره‌ای که از دل بگذرد، وجود مبارک ولی عصر(عج) به اذن خدا آن را می‌بیند و درمی‌یابد. همان‌گونه که اعمال دست و دیده را دل می‌داند و از آن بی‌خبر نیست، ممکن نیست دل ما به چیزی مشغول باشد یا کاری انجام دهد و دل دل‌ها و جان جان‌ها یعنی، ولی و امام زمان آن را نداند.

سخن از جان جانان، نظیر عقل منفصل نیست که دیگران پنداشته‌اند که چیزی جدا از بشر است، بلکه همان گونه که قلب ما از مجاری ادراکی و تحریکی‌مان جدا نیست و بر آن‌ها احاطه وجودی دارد، انسان کامل هم حقیقتا بر ما احاطه وجودی دارد و براساس "و قل اعملوا فیسیری الله عملکم و رسوله و المومنون..."(8) هر کاری را انجام بدهیم، خدا و پیامبر و امام که نمونه انسان کامل است آن را می‌بینند. نه تنها کارهای جوارح ما بلکه اعمال جوارح و قلوب ما هم مشهود آن‌هاست. تا کسی قلب قلوب و جان جان‌ها نباشد و از آینه وجودش انوار اسما و صفات الهی بازتابد، بر جان‌ها چنین اشراف و احاطه وجودی نخواهد داشت.

تاثیر صاحبان نفس

در حوزه و دانشگاه سلسله‌ای از مفاهیم و علوم آموخته می‌شود که از آن‌ها به علوم حصولی یاد می‌گردد. این علوم، حتی در عقلی‌ترین شکل خود یعنی فلسفه نیز به عالم خارج راه ندارند و مشکلی را نمی‌گشایند، زیرا همه آموزه‌های علوم حصولی در حد صورت ذهنی هستند و آنجا هم که سخن از جهان بیرون به میان می‌آورند، بازگشتش به مفهوم است، زیرا واژه‌های واقع یا خارج به حمل اولی واقع و خارج‌اند، وگرنه به حمل شایع تنها مفهوم و صورتی ذهنی‌اند و درست بر همین اساس است که بسیاری از دانش‌آموختگان

حوزه و دانشگاه به رغم دستیابی به علوم مختلف، در مقام عمل دست و پایشان می‌لغزد، و برخی به آسانی دچار خطاهای عملی می‌شوند. این علوم به تنهایی از تاثیر بر نفس عالم خود ناتوان‌اند، چه رسد به تاثیر در انسان‌ها و موجودات عالم. آنچه در عالم خارج اثر خارجی می‌گذارد، نفس و نفس انسان صاحب بصیرت است. کسی که نفسش بر اثر بندگی خداوند، تعالی نیافته و به نور علم که خداوند در دل اولیای الهی می‌تاباند: لیس العلم بالتعلم انما هو نور یقع فی قلب من یریدالله تبارک و تعالی ان یدیه(9) نورانی نشده و از تیه نظر به مستقر بصر راه نیافته است، نفسش نیز بی‌اثر است. همان گونه که صاحب عوارف می‌گوید، آن عالمی که محضرش نفعی نبخشد، سخنش هم سودمند نیست. دانشمندی که نشستن و برخاستن، سکوت و تکلم، رفتن و آمدن و سنت و سیرت او اثرگذار نباشد، سخنانش هرگز سودی نخواهد داشت: من لاینفعک لحظه، لاینفعک لفظه.(10) در میان انسان‌ها صاحبان نظر اندک‌اند و بصیرت‌مندان نادر. آنان که صاحب نفس و نفس‌اند، اولیای خدایند و امام معصوم به ویژه حضرت خاتم اولیا حجه‌بن الحسن المهدی(عج) سرسلسله صاحب نفسان عالم است، از این رو درگاه ظهور، عقول به نفس مسیحایی آن جان جانان عالم زنده خواهد شد.

مثل تاثیر اولیای خدا به ویژه وجود مقدس امام عصر(عج) در نفوس انسان‌ها مثل مغناطیس یا کیمیاگر است، چون مغناطیس بی‌هرگونه حرکتی، تنها با جاذبه ذاتی خود آهن سنگین را به سوی خویش می‌کشاند و کیمیاگر بی‌هیچ سخنی، شیء خسیس را ماده‌ای عزیز می‌گرداند و در عرصه تکوین آن، تحولی جوهرین می‌آفریند.

دیدار انبیا و ائمه هدا و اولیای خدا اثری مغناطیس‌گونه و کیمیایی دارد و این خصیصه در جمال دل‌آرای امام عصر(عج) ظهور بیشتری دارد، چون برخلاف سایر انبیاء و ائمه(ص) اجازه دارد همچون مغناطیس دلربایی و چون کیمیاگر جهان را دگرگون کند. به همین دلیل، لحظه‌ای دیدار او در قلوب تحول می‌آفریند و کسی را در برابر جاذبه وجود مبارکش تاب مقاومت نیست، همچنان که آهن در برابر آهنربا.

خلیفه خدا به زبان فلسفه، کلام یا عرفان نظری سخن نمی‌گوید، بلکه زبان او عرفان عملی و سخنش همان جاذبه، کشش و شوری است که در دل می‌انگیزد.

*پاورقی:

- 1 - سوره قصص، آیه 5
- 2 - جامع‌الاسرار و منبع الانوار، اصل الثالث، القاعده الثانیه، ص 437
- 3 - سوره مائده، آیه 55
- 4 - سوره بقره، آیه 30
- 5- سوره طلاق، آیه 12
- 6 - سوره فاطر، آیه 44
- 7 - سوره زمر، آیه 67
- 8 - سوره توبه، آیه 105
- 9 - مشکاه الانوار، ص 325. ر.ک: بحارالانوار، ج 1، ص 225 "ان یدیه" دارد.
- 10 - عوارف المعارف، ص 74

* معجزات هریک از انبیای گذشته، یکجا به دست توانمند ولی‌عصر(عج) ظهور می‌کند، زیرا او باید اهداف تمام انبیا را به انجام رساند و سرزمین‌های مرده را با نور عدل زنده سازد

* انسان کامل معصوم، تجلیگاه صفات و آینه اسمای الهی است

* تا کسی قلب قلوب و جان جان‌ها نباشد و از آینه وجودش انوار اسما و صفات الهی باز نتابد، بر جان‌ها اشراف و احاطه وجودی نخواهد داشت، بنابراین چنین احاطه‌ای مختص به مهدی موعود(عج) است که انسان کامل است و مظهر انوار اسماء و صفات الهی می‌باشد.

نویسنده : عبدالله جوادی آملی